

**حدیث روز:**  
امام محمد باقر(ع)  
همانا خداوند انسان با احیا و بر دبار را دوست دارد.

**واحه:**  
تا تو پدید آمدی پنهان شدم  
زانکه با معشوق پنهان خوش تر است

**اوقات شرعی:**  
اذان ظهر: ۱۲/۰۶  
اذان مغرب: ۱۷/۰۶  
اذان صبح (فردا): ۵/۴۴  
غروب آفتاب: ۱۷/۰۰  
نیمه شب شرعی: ۲۳/۲۴  
طلوع خورشید (فردا): ۷/۱۴

**وضعیت آب و هوای امروز**



شایه: ۳۶۳۷۰-ISSN1۷۳۵  
پایگاه اطلاع رسانی:  
www.jamejamdaily.ir  
پست الکترونیکی:  
info@jamejamdaily.ir



سه شنبه ۹ دی ۱۳۹۹ | ۱۴ جمادی الاولی ۱۴۴۲ | ۲ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۸۴ | استان تهران و البرز - ۲۵ تومان - دیگر استان ها - ۱۵ تومان | Tuesday - December 29, 2020

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

**امروز در تاریخ:**

- عضویت ایران در جامعه ملل پس از جنگ جهانی اول(۱۳۰۰ش)
- نمایش «آبی و رابی»، نخستین صامت ایرانی، در سینما مایاک(۱۳۰۹ش)
- اعدام صدام حسین دیکتاتور عراق(۱۳۸۵ش)
- درگذشت آندری تارکوفسکی، کارگردان و فیلمساز روسی(۱۹۸۹م)

**حکمت ۳۲:**  
نیکوکار، از کار نیک بهتر و بدکار از کار بد بدتر است.

**خودنویس**

**عادت می‌کنیم...**



حامد عسکری

شاعر و نویسنده

مهرداد یک ویدئو برایم فرستاده بعدش هم چندتا ایموجی اشک و نوشت مملکت رو ببین، چندثانیهای طول کشید تا دانلود شود. یک آقای شیکان پیکان است با عینکی کائوچویی و پلبور زرشکی به تن دارد. از این کارشناس ماشین‌های خارجی است. دارد راجع به یکی از مدل‌های جدید یکی از شرکت‌های معروف خودروسازی جهان حرف می‌زند. گویا ویدئو تقطیع شده است چون می‌گوید اما عیب‌هایش ... عیب‌هایی را که برمی‌شمارد این است. می‌گوید خم شیشه‌اش جوری است که وقتی آفتاب مستقیم بتابد طرح داشبورد توی شیشه جلو منعکس می‌شود و این یک مقداری ناخوشایند است.

نقص دومش این بود که نوع پلاستیک فشرده کنسول جلوی ماشین که جای شارژر بی‌سیم تلفن همراه است از نوع برق و بسیار صیقلی استفاده شده که باعث می‌شود رد انگشت روی آن بماند و شبیه گلس‌های برق تلفن همراه کمی لک بردارد و ایراد سومی که از این مدل خودرو گرفته شده این است که دستگیره دربارکن از داخل خیلی در نقطه میانی در تعبیه شده و این ممکن است برای سرنشین‌های کودک در وقتی که در کاملاً ۹۰ درجه باز شده است کمی ایجاد مشکل کند.

ویدئو را دوباره و سه‌باره دیدیم. یک آه نصفه‌نیمه کشیدیم و یاد دوستی افتادم که با کلی قرض‌وقوله از یک کمپانی داخلی یک ماشین خرید. شیرینی‌اش را هم آذین توی جایی که آن سال‌ها کار می‌کردیم داد. یک هفته بعدش سروکارش به نمایندگی مجاز و استفاده از گارانتی خودروی نویش افتاد. یک چیزی حوالی فرمان توی اتاق صدا می‌داد و هر کار کرده بود برطرف نشده بود. ماشین دو روز نمایندگی خوابید. بعد تحویلش گرفت. یکی دو روز خوب بود و دوباره به صدا افتاد. دوباره رفت نمایندگی و جوابی که شنید شاهکار بود: تعمیرکار گفته بود: اینها همه همین‌جوری‌اند. خیلی ادبیت می‌کنند صدای رادیو پخش‌ات را زیاد کن. کم‌کم عادت می‌کنی ...

## گفت‌وگو با رضا ساکی درباره نیسان‌آبی و ورودش به فرهنگ عامه ایران

# خدا حافظی با سلطان

به فرهنگ عمومی ایران مراجعه کنیم، از قدیم تا همین امروز با نیسان هم مسافر حمل می‌کنند هم تیراخن، هم محصولات کشاورزی، هم دام، هم وسیله خانه و خلاصه همه چیز. نیسان را می‌توان خودرویی برای تمام فصول دانست.

■ **نیسان فقط نیسان‌آبی**

ساکی درباره این که نیسان‌آبی چگونه وارد دنیای طنز شده است، می‌گوید: زمانی رویدادی وارد دنیای طنز می‌شود که زیاد دیده شود و ماجراهای نیسان‌آبی به ادبیات طنز و حتی طنزنامه‌های هم وارد می‌آید. در بزرگراه‌ها نیسان‌ها زیاد تصادف می‌کنند حتی در خیابان‌های باریک و کم‌تردد اگر تصادفی رخ دهد معمولاً یکی از بانیان آن نیسان است با آن بدنه قوی و سپرهای قدرتمندی که دارد. خلاف نیسان بلاست و همه اینها باعث شده به چشم مردم این ماشین، خودرویی قانون‌گریز باشد که می‌تواند به همه آسیب برزند اما خودش کمتر آسیب ببیند. به چشم مردم نیسان‌آبی یک جورایی سلطان ماشین‌هاست. این ذهنیت به مرور در صاحبان و رانندگان نیسان تثبیت شده و این قدرت را می‌توان در پشت نوشته‌های آنها دید. مثلاً می‌نویسند: همه از عزرائیل می‌ترسند من از نیسان‌آبی. حتی پشت

## قوانین نانوشته نیسان‌آبی

نیسان‌سواران حالا دیگر به جمعیت و گروهی مشخص تبدیل شده‌اند همان‌گونه که موتورسواران الان دیگر برای خودشان صاحب فرهنگی شده‌اند که معمولاً مبتنی بر بی‌قانونی است. آنها از یکدیگر حمایت هم می‌کنند: مثلاً اگر موتورسواری متوجه شود سر فلان چهارراه پلیس ایستاده و موتورسواران را رصد یا آنها را توقیف می‌کند با ترندهای مختلف به دیگر موتورسواران خبر می‌دهد که سمت آن چهارراه نروند. نیسان‌سواران هم اکنون صاحب فرهنگی هستند که میان بیشتر آنها یکسان است. الان دیگر نه تنها نیسان‌آبی تبدیل به یک فرهنگ شده که نحوه استفاده از آن هم فرهنگ خاص خود را دارد؛ مثلاً پشت بیشتر نیسان‌ها جملات قصار نوشته شده و رانندگان اکثر نیسان‌ها به این باور رسیده‌اند که قدرتمندترین خودروی ایران را سوار می‌شوند که از همه موانع می‌تواند عبور کند و جالب این که کم‌کم باورشان شده مردم هم آنها را به عنوان نیسان‌سوار قبول کرده‌اند با همه قوانین نانوشته‌ای که برای خود دارند.



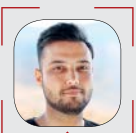
اصلاً نگران نمی‌شوید که اتفاق ناگواری برای پورشه شما رخ دهد اما اگر همین نیسان رنگش آبی شود، ناخودگاه نگران می‌شوید که نکند یکباره حرکتی کند و به پورشه آسیب برزند.

■ **پر قدرت و قانون‌گریز**

به ساکی می‌گویم شاید همین طنزها و توجه زیاد به نیسان‌آبی بود که به مرور رانندگان این خودرو را جسورتر کرد و الان دیگر واقعا احساس می‌کنند سلطان هستند و می‌توانند هر جور دوست دارند، رانندگی کنند؟ می‌گوید: به نظر این نوع رفتار را در طبقه اجتماعی افراد می‌توان ریشه‌یابی کرد. نیسان‌آبی خودرویی است که معمولاً برای امور خدماتی از آن استفاده می‌شود. کسانی از این خودرو استفاده می‌کنند که شرایط اقتصادی خوبی ندارند و همه امورات زندگی خود را با کار کردن با نیسان تأمین می‌کنند. از آنجا که این خودرو بسیار قدرتمند است به راننده و صاحب خود این اطمینان را می‌دهد که با آن می‌تواند همه کاری بکند و نیسانش هیچ‌وقت بدون بار نمی‌ماند. به نظرم شرایط اقتصادی باعث شده راننده نیسان احساس کند از همه ظرفیت آن باید استفاده کند و زیاد در قید و بند قانون نباشد. وقتی می‌تواند با نیسانش مثلاً روزی چهار «بار» را جابه‌جا کند چرا به دو «بار» قناعت کند. برخی از صاحبان نیسان، از روستاها به شهر می‌آیند یا از شهرهای کوچک به کلانشهرها، یا فردی نیسانی داشته که در جاده‌های کم‌ترافیک یا روستایی یا بین دو کارخانه کار می‌کرده و در این مکان‌ها هر جور که دوست داشته از قدرت نیسان خود استفاده می‌کرده، حالا مثلاً به تهران آمده و هنوز هم ترجیحش این است که با همان بی‌قانونی در این شهر بزرگ کار کند و درآمد داشته باشد. حتی خودروی عشایر هم نیسان‌آبی است که در کوه و دشت با آن تردد می‌کنند، اما هر جا لازم بدانند با نیسان‌شان به شهر هم می‌آیند. در این شرایط نمی‌توان زیاد از آنها انتظار قانون‌مداری داشت.



## لشگر زیر خاک



علیرضا زافانی

روزنامه‌نگار

■ **راننده ترکمن حاشیه اثرک را با پرابند افتاده‌هایش می‌راند و مثل یک تولیدر از هر چیزی که از کنارش می‌گذشتیم حرف می‌زد.** از تپه‌ها که هر کدام داستانی داشتند. از اثرک که مدتی بود کم‌آب شده بود. از دشت‌هایی که وقتی نگاه می‌کردی هیچ نداشت اما راننده ترکمن یک بغل خاطره داشت که از آن تعریف کند؛ خاطره‌هایی که بیشتر خودش به چشم ندیده بود و فقط سینه به سینه از پدر و پدربزرگش شنیده بود.

نکته جالبی که چشم را می‌گرفت تعداد بالای قبرستان‌های کوچک بود که بالای در تمام‌شان نوشته شده بود: آرامستان مسلمانان... پرسیدم؛ مگر ترکمن صحرا غیرمسلمان هم دارد؟ چرا می‌نویسید آرامستان مسلمانان؟ گفت این به‌خاطر آن است که زمان تجاوز روس‌ها به سرزمین‌های شمالی ایران، چند سالی سربازان روس در پایگاه‌های نظامی‌شان در این سرزمین ساکن بودند و طبیعتاً خیلی‌هاشان همین‌جا مردند. برای خودشان قبرستان‌هایی درست کردند و مردم هم برای این که مشخص شود کجا قبرستان مسلمان‌ها است و کجا قبرستان بی‌خدایان شمالی، بالای سر قبرستان‌هایشان

نوشته‌اند: آرامستان مسلمان‌ها.

داستان قبرستان‌های خارجی در ایران عجیب است. به غیر از قبرستان‌های ارمنه و اقلیت‌های مذهبی که داخل بافت شهری شهرها قرار دارند، باقی قبرستان‌های خارجی که معمولاً هم در جغرافیایی خارج از شهرها یا محوط سفارتخانه‌های قدیمی قرار دارند، روایتگر نوعی تجاوزند. حوالی محله قلهک تهران و باغ معروف قلهک که از قدیم جای پای بریتانیایی‌ها را در خود دارد آرامستانی است متعلق به متفقین. سربازان متفقین که در ایران حضور داشتند اگر در ایران عمرشان به آخر رسیده باشد در این قبرستان دفن شده‌اند؛ سربازانی که تاریخ حضورشان برمی‌گردد به سال‌های جنگ جهانی اول و دوم. سال‌هایی که با وجود اعلام بی‌طرفی ایران، کشورمان عملاً مورد تجاوز قوای متفقین قرار گرفت و فجایع غریبی در این سرزمین رقم خورد.

از کشتار مخفیانه و آشکار مردم و ظلم و ستمی که سربازان در کوچه و خیابان به مردم کف جامعه روا می‌داشتند که بگذریم. مسأله قحطی بزرگ ایران که هزاران نفر از هموطنان‌مان را به کام مرگ کشاند هم از تبعات همین حضور نظامی بود. متفقین برای این‌که دشمن‌شان در این کشور آذوقه کافی برای ماندن نداشته باشد، آذوقه مردم را به قیمت پایین خریده و از بین بردند و بعد از آن کشور دچار بحران قحطی و مرگ عزیزان شد. سربازانی که در این قبرستان‌ها زیر خاک رفته‌اند راویان ستم‌های بزرگی‌اند که بر مردم این سرزمین رفته است. هر چه باشد خاک سرد است و مرام ما گرم! همه این ستم‌ها را مرور می‌کنیم و بغض گلویمان را می‌گیرد اما می‌گوییم: خاک بر آنها خوش باد!

